



Analyzing Women's Activism in the Autumn Protests of 2022 and Its Consequences on Society and the Political System

Hamid Reza Jalaeipour¹ | Saba Ghanbari²

1. Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: jalaeipour@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, Department of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: sabaghanbari7813@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 04 May 2024

Received in revised form: 07 August 2024

Accepted: 09 September 2024

Published online: 21 October 2024

Keywords:

Migration, International migration, Semantic reconstruction, Phenomenology.

ABSTRACT

One of the political and social events that significantly influenced the societal ambiance was the 2022 protests. This study aims to examine the social underpinnings of the presence of women in the protests of the fall of 2022 and to demonstrate the repercussions on society and the government. This study concentrates on the civil layer of the 2022 protest uprising, despite the fact that it encompassed various layers of protest.

For this purpose, 28 interviews were conducted with female political and social activists using the qualitative study and grounded theory method and theoretical sampling. The collected data were coded and analysed based on open, central and selective coding.

The categories and themes that were extracted from the interviews demonstrated the significance of the disparity between the "women's mentality" and their "legal and social objectivity" in the protests of 2022. The political system has been further exacerbated by the non-acceptance of women by the government, as well as the control of women's attire and lifestyle, which has been linked to the political identity of the government for decades. This has resulted in a shift in value and attitude. These protests have had significant societal, social, and cultural repercussions, and they have also elevated the government's concern regarding women's attire.

This protest layer was a women's protest that was centered on the reclamation of the lifestyle and the type of new social movements. It is related to those who experience "control" and "humiliation" in their lived experience. The movement's reiteration of the slogan "woman, life, freedom" is a protest against the directive character of orderly and governmental life and a demand for "social and cultural freedom."

Cite this article: Jalaeipour, H. R., & Qanbari, S. (2024). Analysis of women's activism in the autumn protests of 2022 and its consequences on the society and political system, *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*, 13(3): 287-306. <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.380458.1526>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.380458.1526>



واکاوی کنشگری زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ و پیامدهای آن برای جامعه و نظام سیاسی

حمیدرضا جلائی پور^۱ | سبا قنبری^۲۱. گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: jalaeipour@ut.ac.ir۲. نویسنده مسئول، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: sabaghanbari7813@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	اعتراضات ۱۴۰۱ یکی از رخداد‌های سیاسی و اجتماعی‌ای بود که فضای جامعه را در مقیاسی وسیع متأثر کرد. هدف این تحقیق واکاوی ریشه‌های اجتماعی حضور زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ و نشان دادن پیامدهای آن برای جامعه و حکومت است. اگرچه خیزش اعتراضی ۱۴۰۱ لایه‌های اعتراضی مختلفی داشت، تمرکز این مطالعه بر کنش‌ورزی زنان در لایه مدنی این اعتراضات است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۵	به این منظور با مطالعه کیفی و روش نظریه زمینه‌ای و نمونه‌گیری نظری، با ۲۸ زن کنشگر سیاسی و اجتماعی مصاحبه شد. داده‌های گردآوری شده براساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی کدگذاری و تحلیل شدند.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۵/۱۷	مقوله‌ها و مضامین استخراج شده از دل مصاحبه‌ها نشان داد در اعتراضات ۱۴۰۱، گسست میان «ذهنیت زنان» و «عینیت حقوقی و اجتماعی» آنان اهمیت دارد. تغییرات ارزشی و نگرشی در زنان و پذیرش نیافتن آن از سوی حکومت به همراه چند دهه کنترل پوشش و سبک زندگی زنان و گره زدن آن با هویت سیاسی حکومت، تقابل آنان با نظام سیاسی را تشدید کرده است. این اعتراضات پیامدهای جنسیتی، اجتماعی و فرهنگی برای جامعه دارد و درعین حال پوشش زنان را مسئله‌ای جدی برای حکومت کرده است.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۶	این لایه اعتراضی، اعتراضی زنانه مبتنی بر بازپس‌گیری سبک زندگی و از نوع جنبش‌های اجتماعی جدید بود و به کسانی که تجربه «کنترل» و «تحقیر» در تجربه زیسته‌شان دارند، مربوط است. تکرار شدن شعار «زن، زندگی، آزادی» در این جنبش، مطالبه «آزادی اجتماعی و فرهنگی» و اعتراض به زندگی دستوری و حکومتی است که ماهیتی هدایت‌گرایانه دارد.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۷/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
اعتراضات ۱۴۰۱، جنبش‌های اجتماعی جدید، زنان، سبک زندگی، نظریه زمینه‌ای	

استناد: جلائی پور، حمیدرضا و قنبری، سبا (۱۴۰۳). واکاوی کنشگری زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ و پیامدهای آن برای جامعه و نظام سیاسی. *مطالعات و تحقیقات*<https://doi.org/10.22059/jisr.2024.380458.1526> اجتماعی در ایران، ۱۳(۳): ۲۸۷-۳۰۶.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jisr.2024.380458.1526>

۱. مقدمه و بیان مسئله

چنان‌که شایسته است به حقوق انسانی زنان به‌مثابه یکی از گروه‌های اجتماعی و نیمی از اجتماع بشری توجه نشده است. موقعیت تبعیض‌آمیز زنان را ساختارهای مردسالارانه بازتولید می‌کند؛ ساختارهایی که نابرابری جنسیتی بخشی از شالوده آن است. در جوامع غربی، ظهور جنبش فمینیسم تحت تأثیر سه عامل «گفتاری»، «اقتصادی» و «سیاسی» زمینه‌ساز حضور اعتراضی زنان به وضعیت تبعیض‌آمیزشان شد (مشیرزاده، ۱۴۰۰: ۱۹).

در تاریخ معاصر ایران نیز نسبت امر «جنسیتی» با امر «سیاسی» یکی از ابعاد حرکت‌های اجتماعی و سیاسی بوده است. زنان در تحولات سیاسی مثل انقلاب مشروطه، انقلاب ۱۳۵۷، جنبش اصلاحات سال ۱۳۷۶ و جنبش سبز ۱۳۸۸ حضوری فعال و اثرگذار داشتند که هر یک سبب تغییر در وضعیت زنان شد؛ به‌نحوی که انقلاب مشروطه زنان را مطالبه‌گر کرد و انقلاب ۱۳۵۷ زنان مذهبی را به عرصه عمومی کشاند و آگاهی جنسیتی زنان را ارتقا بخشید. انقلاب اسلامی با ارائه الگوی زن انقلابی، مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را مجاز دانست (نصرت خوارزمی، قاسم‌پور، و نصرت خوارزمی، ۱۳۹۹: ۱۰).

بعد از پیروزی انقلاب، زنان در حوزه‌های مختلف به‌خصوص عرصه آموزش پیشگام بودند، اما نیروهایی محافظه‌کار قصد به‌حاشیه‌راندن زنان را داشتند. زنان در برابر ساختارهای تبعیض‌آمیزی که می‌خواست آنان را از عرصه عمومی به حاشیه ببرد مقاومت کرده و تلاش کردند حقوق خود را احقاق کنند. به‌خصوص در دوره‌هایی که گفتمان اصول‌گرایی تفوق داشته، جایگاه اجتماعی زنان متأثر از بی‌توجهی اصول‌محوری این گفتمان به هویت مستقل زنان مرتباً متزلزل شده است (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۵).

مقاومت اعتراضی و پیشروی آرام زنان ایرانی برای به‌رسمیت‌شناخته‌شدن به‌مثابه شهروندی با حقوق سیاسی و اجتماعی برابر و تغییر مناسبات جنسیتی، هم در سپهر عمومی و هم در سپهر خصوصی نمونه‌ای از تاکتیک آنان در این مسیر بوده است (بیات، ۱۳۹۰: ۱۲۶). زنان هرگاه روزنه‌ای گشوده شد، مانند دوران اصلاحات تلاش کردند در تعامل با حاکمیت وضعیت خود را ارتقا دهند و هرگاه با حاکمیتی یکدست مواجه شدند، راهبرد مقاومت در دل زندگی روزمره را انتخاب کردند.

این بار در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ با جان‌باختن مهسا امینی پس از بازداشت به دست پلیس گشت ارشاد، جامعه ایرانی شاهد وقوع اعتراضاتی بود که در مقایسه با اعتراضات قبلی به‌لحاظ گستردگی جغرافیایی، تنوع قومیتی کنشگران و از لحاظ جنسیتی (زنانه‌بودن آن) قابل‌توجه است؛ رخدادی که جنبش «زن، زندگی، آزادی» نام گرفت و از لحاظ ماهیت با اعتراضات اخیر در کشور تفاوت داشت؛ حدود چهار ماه به طول انجامید و دانشجویان و دانش‌آموزان با آن همراهی کردند. بازنمایی رسانه‌ای اعتراضات در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی بیشتر از اعتراضات پیشین بود. چهره‌های مشهور داخلی و بین‌المللی و ایرانیان خارج از کشور با معترضان همراه بودند. معترضان با تظاهرات خیابانی، شعارنویسی، قیچی‌کردن مو، بوق‌زدن‌های ممتد و هشتگ‌زدن در فضای مجازی اعتراض خود را اعلام می‌کردند. همچنین از ابزارهای جدیدی مانند موسیقی و رقص برای کنشگری جمعی اعتراضی استفاده شد که در اعتراضات قبلی به این وسعت نبود. عمده معترضان از طبقه متوسط بودند. عاملیت زنان و حمایت مردان از آنان از نقاط عطف اعتراضات ۱۴۰۱ بود. اگرچه در اعتراضات پیشین زنان به همراه مردان حضور داشتند، معمولاً بازیگران اصلی نبودند؛ بنابراین شناخت رخداد اخیر به‌مثابه واقعیت اجتماعی که عرصه عمومی را تحت تأثیر قرار داد و در شرایط پسااعتراضی در مقیاسی وسیع‌تر مسائل زنان را در افکار عمومی مطرح کرد، اهمیت و ضرورت دارد. این مطالعه بررسی می‌کند ریشه‌های اجتماعی حضور زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ چه بود و این حضور اعتراضی چه پیامدهایی برای جامعه و حکومت داشته است.

۲. پیشینه پژوهش

عبدالوهابی (۱۴۰۲) اعتراضات ۱۴۰۱ را شورشی اجتماعی در عرصه عمومی می‌داند که به مرحله جنبش نرسید. زنان با کنشی فرهنگی و اجتماعی به کارگزاران اجتماعی تبدیل شدند، اما در ادامه نتوانستند به سمت نهادسازی رسمی پیش بروند تا از این طریق بتوانند با پیگیری مطالبات خود از قدرت، اثرگذاری سیاسی داشته باشند. این حرکت اعتراضی در ادامه به جای تأکید بر مطالبات زنان تحت تأثیر رسانه‌ها به سمت براندازی پیش رفت (عبدالوهابی، ۱۴۰۲: ۹۸۴).

رهبری (۱۴۰۲) با تحلیل محتوای توییت‌های مردم در شبکه اجتماعی توییتر و تحلیل اطلس جغرافیایی اعتراضات برای فهم پراکندگی و شدت آن در استان‌های مختلف نتیجه‌گیری کرد اگرچه بعد زنانه اعتراضات پررنگ بود، صرفاً به این مورد محدود نبود و تقاضا برای زیستن آزادانه مطالبه اصلی این جنبش بود (رهبری، ۱۴۰۲: ۹۵۷).

توحیدلو (۱۴۰۲) با جمع‌بندی تحلیل‌های موجود درباره چپستی، چرایی و پیامدهای این رخداد، پنج نگاه کلی را از یکدیگر تمییز داد: در نگاه اول تحلیلگران از منظر «ناکارآمدی ساختار سیاسی»، در نگاه دوم از منظر «همبستگی اجتماعی»، در نگاه سوم با نگاهی «فرهنگ‌گرا»، در نگاه چهارم با نگاهی مثبت به «نفس جنبش» و در نگاه پنجم با تأکید بر «محافل و کنشگری‌های مردمی» به تبیین جنبش پرداخته‌اند (توحیدلو، ۱۴۰۲: ۱۷۵).

قلی‌پور (۱۴۰۲) با تأکید بر دیدگاه ملوچی^۱ و گاسفیلد^۲، براساس تفکیک مفهومی و نظری بین جنبش‌های خطی و سیال، ناآرامی‌های ۱۴۰۱ را مرحله رؤیت‌پذیری و بسیج جنبش سیال سبک زندگی نامید که همواره در متن زندگی روزمره در جامعه ایران وجود داشته است (قلی‌پور، ۱۴۰۲: ۹۳).

بیات (۲۰۲۳) اعتراضات ۱۴۰۱ را یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سیاسی و اجتماعی جامعه ایران دانست که صرفاً انقلابی فمینیستی یا شورش نسل نو یا مبتنی بر حجاب اجباری نبود. او اعتراضات ۱۴۰۱ را خیزشی برای بازپس‌گیری سبک زندگی معرفی کرد که موجب تغییر پارادایم ذهنیت ایرانی شد. در این تحول ذهنی، زنان عامل دگرگون‌کننده بودند (بیات، ۲۰۲۳: ۴۷).

حسینی و اخوان کاظمی (۱۳۹۹) با رویکرد تبارشناسی فوکو، موقعیت زنان در ایران بعد از انقلاب را یک ناجنیش مبتنی بر مقاومت ارزیابی کردند. هرچند جمهوری اسلامی از ابتدای انقلاب تلاش کرد با تغییر قوانین خانواده، ایجاد محدودیت در اشتغال و موارد دیگر زنان را کنترل کند، اما زنان از طریق پیشروی آرام و سیاست حضور و با تأکید بر بدن توانسته‌اند مناسبات سیاسی و اقتصادی و سبک زندگی را دگرگون کنند. زنان از ابتدای انقلاب تاکنون با پیشروی آرام در چالش با حکومت بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که اکنون تغییر و تحولات حوزه زنان یکی از مهم‌ترین مسائل پیش‌روی نظام سیاسی است (حسینی و اخوان کاظمی، ۱۳۹۹: ۸۲).

مطالعات فوق هرکدام برای آشنایی با اعتراضات ۱۴۰۱ مفیدند، اما نوآوری این مطالعه آن است که جامعه مطالعاتی آن متشکل از زنان کنشگر سیاسی و اجتماعی است و با رویکردی اکتشافی و تفسیری و با نظریه زمینه‌ای اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ را واکاوی می‌کند و پیامدهای آن برای جامعه و حکومت را نشان می‌دهد.

۳. چارچوب مفهومی

در تحلیل کیفی، برخی مفاهیم مرتبط با موضوع پژوهش برای افزایش حساسیت نظری مورد استفاده قرار می‌گیرند. «کنشگری» به فعالیت‌های مختلف در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با هدف ایجاد تغییر یا بهبود گفته می‌شود (خرمشاد و قزل ایاق، ۱۴۰۲: ۱۵۸). «جنبش‌های اجتماعی» حرکت‌های جمعی است که در آن، افراد بی‌شماری از جامعه به دنبال دستیابی به هدف خاصی مثل تقویت دموکراسی یا برابری حقوقی زنان و مردان هستند و اهداف مورد نظر را در بیرون از چارچوب‌ها و نهادهای شناخته‌شده جامعه پیگیری می‌کنند (جلائی‌پور، ۱۴۰۰: ۹۱). در جوامع دموکراتیک، جنبش‌ها به سمت نهادی شدن می‌روند، اما در جوامع بسته، جنبش‌ها معمولاً بعد از بروز یافتن وارد «دوره نهفتگی» می‌شوند. در این حالت، جنبش در «شبکه روزمره روابط اجتماعی» در جریان است. تجربه دوره نهفتگی به کنشگران این امکان را می‌دهد تا تاکتیک‌های مبارزاتی جدیدی را خلق و تغییراتی در نظام‌های معنایی‌ای که در تضاد با قواعد اجتماعی حاکم است ایجاد کنند (قلی‌پور، ۱۴۰۲: ۷۳-۷۴).

«پیشروی آرام» برآیند رفتارهای عادی کنشگران در خلال زندگی روزمره است که لزوماً منطبق بر ارزش‌ها و هنجارهای مورد نظر نظام سیاسی نیست و می‌تواند چالش‌هایی جدی برای ساختار موجود ایجاد کند؛ فعالیت‌هایی پراکنده، اما مشترک میان کنشگران بدون سازمان‌دهی و سلسله‌مراتب رسمی است که سعی می‌کنند محدودیت‌های موجود را دور بزنند و از رهگذر زندگی روزمره در برابر تبعیض‌های سیستماتیک ایستادگی کنند. کنش‌های به‌ظاهر غیرجمعی افراد با تأکید بر عمل در زندگی روزمره به‌نحوی پارادوکسیکال با اینکه انفرادی انجام می‌شوند، اما جمعی هستند (بیات، ۱۳۹۰: ۱۳۴-۱۲۷).

«سیاست هویت» مبتنی بر کنش سیاسی آگاهانه با تأکید بر معنا است که کنشگران در واکنش به گفتمان سیاسی مسلط که هنجارها و ارزش‌های آنان را نادیده می‌گیرد، به‌کار می‌برند. آن‌ها از طریق سیاست هویت به سوژه‌های سیاسی تبدیل می‌شوند که در بستر فضای مجازی و فضای طبیعی با گروه‌هایی که با آنان هم‌نوا هستند می‌پیوندند. معمولاً زمانی که طرفداران یک گفتمان با دردست گرفتن قدرت سیاسی، دیگری‌ها را به حاشیه می‌برند، به‌حاشیه‌رفتگان با تأکید بر سیاست هویت به کنشگری می‌پردازند (غفور و زهیری، ۱۳۹۵: ۱۲۱-۱۳۸).

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و براساس نظریه زمینه‌ای اشتراوس و کوربین انجام شده است. به‌علت شرایط متفاوت جامعه ایران و چون نظریه‌های موجود برخاسته از شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جوامع صنعتی غربی هستند، استفاده از نظریه زمینه‌ای در واکاوی ریشه‌های اجتماعی حضور زنان در اعتراضات بهتر می‌تواند پاسخ‌دهنده سؤال اصلی پژوهش باشد. روش جمع‌آوری داده‌های این پژوهش، مصاحبه عمیق کیفی است. مصاحبه‌ها عموماً به‌صورت آنلاین و با پلتفرم گوگل میت انجام شد و برخی هم به‌صورت حضوری انجام شدند. مدت هر مصاحبه یک و نیم تا دو ساعت بود و سه ماه بعد به پایان رسید. جامعه مطالعاتی پژوهش زنان کنشگر سیاسی و اجتماعی بودند و در مجموع با ۲۸ نفر مصاحبه صورت گرفت.^۱

نمونه‌گیری پژوهش از نوع نظری است. برای تعیین حجم نمونه از معیار «اشباع نظری» استفاده شد. روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مضمون بازتابی با رویکرد براون و کلارک است. همچنین تحلیل مضمونی از نوع استقرایی است. تحلیل داده‌ها بعد از مصاحبه اول

۱. کنشگران سیاسی و اجتماعی ترکیبی از فمینیست‌های اسلامی، سکولار و پژوهشگران حوزه زنان بودند. به دلیل حساسیت موضوع و بنا به درخواست مصاحبه‌شوندگان اسامی و مشخصات مصاحبه‌شوندگان در مقاله ذکر نمی‌شود.

آغاز شد. از نرم‌افزار MAXQDA نسخه ۲۰۲۰ برای کدگذاری، مقوله‌بندی و مدیریت داده‌ها استفاده شد. مصاحبه‌ها کلمه به کلمه و جمله به جمله در جهت پاسخ به سؤالات پژوهش در سه مرحله باز، محوری و انتخابی کدگذاری شدند. کدها براساس اشتراکات مفهومی، ابتدا در مقوله‌های فرعی دسته‌بندی شدند و سپس مقوله‌های فرعی در ذیل مقوله‌های اصلی قرار گرفتند. مقوله‌های اصلی و فرعی مرتب‌بازنگری شدند. در پایان در استخراج مضامین تلاش شد تا سطح انتزاع بالاتر رود.

۵. یافته‌های تحقیق

جدول شماره یک مضامین و مقولات مستخرج شده از مصاحبه‌ها را نشان می‌دهد. بعد از مقوله‌بندی‌های فرعی و اصلی به هفت مضمون کلیدی رسیدیم که عبارتند از: گسست بین ذهنیت زنان و عینیت اجتماعی و حقوقی آنان؛ تشدید تقابل عاملیت زنانه و ساختار پدرسالارانه؛ نمادین بودن مطالبه پوشش اختیاری؛ کنترل سیاسی و حکومتی بدن زنان؛ پیامدهای جنسیتی؛ پیامدهای اجتماعی و فرهنگی و تشدید «مسئله زن» برای نظام سیاسی. در ادامه به تشریح مقولات فرعی و اصلی هر یک از مضامین خواهیم پرداخت.

جدول ۱. مضامین، مقوله‌های اصلی و فرعی استخراج‌شده در تحلیل مضمونی استقرایی

مضامین	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
۱. گسست بین ذهنیت زنان و عینیت اجتماعی و حقوقی آنان	۱-۱. دگردیسی ارزشی و نگرشی در زنان	<ul style="list-style-type: none"> • بازاندیشی زنان در نقش‌های جنسیتی • افزایش سرمایه اقتصادی و فرهنگی زنان • تغییر سبک زندگی زنانه • گذار هویتی
	۲-۱. دیگری به حاشیه رانده شده	<ul style="list-style-type: none"> • تحقیرشدگی و طردشدگی سیستماتیک زنان • به‌رسمیت‌نشناختن هویت مستقل زنان • صغیرانگاری زنان در نظام حقوق • تلاش برای پس‌گرفتن آگاهی زنانه
۲. تشدید تقابل عاملیت زنانه و ساختار پدرسالارانه	۱-۲. کنشگری سازمان نیافته زنان علیه محدودیت‌های جنسیتی	<ul style="list-style-type: none"> • تلاش برای دورزدن قوانین • نافرمانی مدنی زنان • مقاومت‌های متکثر و چندلایه
	۲-۲. به‌چالش کشیدن هنجارهای تحمیلی نظام سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> • ناکارآمدی برنامه‌های فرهنگی حکومت در نهادینه‌کردن الگوی زن تراز • سرپیچی زنان با کم‌کردن آمار ازدواج و فرزندآوری و انتخاب مجرد • تغییردادن مناسبات جنسی در جامعه
۳. نمادین بودن مطالبه پوشش اختیاری	۳-۱. نارضایتی گسترده زنان	<ul style="list-style-type: none"> • تناقض بین رفتار و گفتار حکومت در مورد زنان • سکوت رضایت‌آمیز حکومت در اعمال خشونت علیه زنان • واقف‌بودن زنان به تبعیض‌های جنسیتی و احساس کردن آن
۴. کنترل سیاسی و حکومتی بدن زنان	۴-۱. پوشش اجباری به‌منزله هویت نظام سیاسی	<ul style="list-style-type: none"> • بار فقهی بودن حکومت روی دوش زنان • عدم عقب‌نشینی حکومت از پوشش اجباری • ایدئولوژیک‌بودن مسئله پوشش
۵. پیامدهای جنسیتی	۵-۱. برجسته‌شدن حقوق زنان در جامعه	<ul style="list-style-type: none"> • تغییر موقعیت زن ایرانی از ابژه منفعل به سوژه مطالبه‌گر • افزایش حساسیت‌ها به تبعیض‌های جنسیتی

مضماین	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
	۵-۲. درک مردان از تبعیض و ستم علیه زنان	▪ کاهش دگرآزایی‌های رفتاری از سوی مردان در اجتماع (متلک‌گفتن، نگاه‌های خیره)
	۵-۳. تغییر ذهنیت‌ها نسبت به زن بی‌حجاب	▪ زن بی‌حجاب به‌مثابهٔ سوژه سیاسی ▪ نگاه توأم با احترام نسبت به زن بی‌حجاب ▪ تعلیق انگ زنی به زن بی‌حجاب
۶. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی	۶-۱. رنسانس در زیرپوست جامعه	▪ بازاندیشی در ارزش‌های رسمی ▪ سرعت بخشیدن به تحولات فرهنگی ▪ تغییرات فرهنگی غیرقابل‌بازگشت ▪ غلبه تجددگرایی بر سنت‌گرایی ▪ غلبه یافتن انتخاب‌های فردی بر مصلحت جمعی ▪ گسست از نظام مذهبی و سنتی
۷. تشدید «مسئلهٔ زن» برای نظام سیاسی	۷-۱. تصلب و ناگزیری نظام سیاسی	• افزایش سخت‌گیری‌ها بر زنان • احتیاط نظام سیاسی در تصویب قوانین مربوط به زنان • نگرانی حکومت از واکنش افکار عمومی

۱-۵. گسست بین ذهنیت زنان و عینیت حقوقی و اجتماعی آنان

به‌نظر می‌رسد جامعهٔ ایرانی دچار شکافی جدی بین ذهنیت زنان و عینیت حقوقی و اجتماعی آن‌ها است که بازتاب خشم ناشی از این شکاف را در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ مشاهده کردیم. مصاحبه‌شوندهٔ ۱۲ در این مورد می‌گوید:

«جامعهٔ ایرانی و به‌خصوص جامعهٔ زنان از حیث ذهنیت بسیار توسعه‌یافته‌تر از عینیت شده. زنان به‌دلیل تحصیلات بیشتری که کسب کرده‌اند و به‌نوعی در این عرصه پیشگام بوده‌اند، ذهنیتشون از مردها خیلی جلوتره، اما شما در واقعیت می‌بینی که در مواردی هم پسرفت داشته‌اند، مثل موضوع کودک‌همسری و قتل‌های مبتنی بر ناموس‌انگاری زنان؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین علل فوران خشم زنان همین افتراقیه که ایجاد شده بین انتظاراتی که دارند و واقعیتی که در جریانیه.»

مصاحبه‌شوندهٔ ۱۳ نیز می‌گوید:

«حاکمیت در توهم خودش گیر کرده و توجهی به ذهنیت امروزی زن ایرانی نداره. مشکل همینیه که نمی‌خواد بپذیره زن ایرانی امروز جور دیگه‌ای فکر می‌کنه؛ یعنی نوعی نگرش جنسیتی پیدا کرده. همین آگاهی روی سبک زندگی هم تأثیر گذاشته.»

همچنین مصاحبه‌شوندهٔ ۲۰ توضیح می‌دهد:

«نظام سیاسی به ایدئال‌هایی نسبت به زنان داره؛ یعنی به قالب‌هایی تعیین کرده و می‌گه زنان فقط حق دارند تو این قالب‌ها، تو این محدوده‌هایی که من حکومت تعیین کردم حرکت بکنن. زنان در حال پس‌زدن این قالب‌ها هستن؛ چون ذهنیتشون تغییر کرده؛ بنابراین این مسئله باعث اعتراض و شکایت می‌شه. چون تو براساس ذهنیتت به سری مطالبات جدید داری، ولی می‌بینی واقعیت چیز دیگه‌ایه.»

تغییرات ارزشی و نگرشی در زنان: ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی طی فرایندی فعال همواره در تغییر هستند و شیوهٔ اندیشه، احساس و رفتار ثابت نمی‌ماند. جامعه‌ای که دچار تغییر و دگرگونی نشود و قدرت بازاندیشی و تجدیدنظر نداشته باشد جامعه‌ای مرده است. حال در این فرایند، تغییرات ارزشی و نگرشی در زنان بیشتر از دیگر گروه‌های اجتماعی است. گسترش نظام آموزش عالی بعد از انقلاب در ایران به‌منزلهٔ فرصتی برای زنان بود تا از رهگذر آن بتوانند موقعیت فردی و اجتماعی خود را ارتقا دهند. نهاد دانشگاه در سطح کلان

به تغییرات عمیق اجتماعی و فرهنگی منجر شد و در یک معنا نظام ارزشی زنان را تغییر داد. مصاحبه‌شونده ۱۱ در این مورد می‌گوید: «۸۴-۸۵ درصد زنان این مملکت باسوادند. این زن‌ها می‌خونن و می‌فهمن، ولی سیستم اینو نمی‌فهمه که این همه زن تحصیل کرده یعنی چی. دختران تحصیل کرده دانشگاهی ما روی نگرش خانواده‌هاشون تأثیر می‌دارن. سعی می‌کنن نگرش‌ها رو تغییر بدن.»

همچنین مصاحبه‌شونده ۲۱ می‌گوید: «سال ۸۶ وقتی برای اولین بار نسبت جنسیتی تو دانشگاه‌ها تغییر کرد، حکومت یه دفعه متوجه مسئله بودن زنان شد. چون سیاست‌های کلان بعد از این دوره به شدت تغییر پیدا می‌کنه. تغییر زیست زنانه بر اثر افزایش آگاهی‌ها و تغییر ذهنیت‌ها که یکی از متغیرهای مهمش نهاد دانشگاه بود، یه دفعه جمهوری اسلامی رو غافلگیر کرد.»

به نظر می‌رسد ذهنیت جدید زنان در تضاد با نظام هنجاری سنتی قرار دارد؛ زیرا این ذهنیت جدید بازاندیش است و به دنبال بازپس‌گیری سبک زندگی مورد نظر خود است. افزایش سرمایه فرهنگی و سپس سرمایه اقتصادی، فرایند گذار هویتی در زنان را هموار کرد و در واکنش به حاکمیتی که الگوی خاصی از زنانگی را ترویج و تبلیغ می‌کند، زنان با توجه به بسترهای زندگی خویش، الگوی خاص خود را خلق کردند تا بتوانند از رهگذر محدودیت‌ها و تبعیض‌ها سبک زندگی دلخواه خود را پیش ببرند. زن جدید تحول‌یافته نقش‌های جنسیتی را بایستی در زندگی خود نمی‌داند، بلکه به آن به منزله یک انتخاب در زندگی می‌نگرد که آگاهانه می‌تواند درباره آن تصمیم بگیرد. با توجه به اینکه نگرش هر فرد تعیین‌کننده رفتار او است، سبک زندگی و اساساً کنشگری زن امروزی تغییر یافته است. این زن دیگر خود را محدود به کارکردهای محدود زن سنتی نمی‌کند؛ زیرا ارزش‌های جدیدی را در خود درونی کرده است. در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۴۰۲، ۸۳/۷ درصد زنان با این گزاره که «وظیفه زن‌ها خانه‌داری است و نباید بیرون از خانه هم کار کنند» مخالفت کردند. ۷۷/۳ درصد زنان نیز موافق بودند که زنان مانند مردان باید حق طلاق (وکالت در طلاق) داشته باشند و ۸۳/۶ درصد موافق بودند که امروزه زن و مرد باید در ارث سهم برابری داشته باشند (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۴۰۲). این تغییرات در حالی صورت گرفته که نظام حکمرانی همچنان در سیاست‌گذاری‌های خود بر الگوی زن سنتی تأکید دارد.

دیگری به حاشیه‌رانده: با وجود ذهنیت توسعه‌یافته و روبه‌جلو زنان و گذار هویتی رخ داده در آنان، سیستم مستقر به راه‌های گوناگون زنان را تحقیر و طرد می‌کند. نظام سیاسی با گره‌زدن هویت زنان به خانواده آن هم خانواده مردسالار هویت مستقل زنان یعنی «زن به ماهو زن» را به رسمیت نمی‌شناسد. مصاحبه‌شونده ۱ توضیح می‌دهد: «سبک زندگی جدید و سبک خانواده جدید با دیدگاه‌های حکومت درمورد خانواده سنتی مردسالار در تعارضه. به همین دلیل هم بر افزایش جمعیت تأکید داره؛ چون افزایش جمعیت به معنی یه خانواده مردسالاره. زنی که ۵-۶ تا بچه داره اصلاً کاری به جامعه نداره؛ یعنی وقت نداره بخواد به مسائل جامعه فکر کنه. خانواده مطلوب حکومت هم یه خانواده پرجمعیت مردسالاره. حکومت فقط افزایش مولید رو به عنوان افزایش جمعیت می‌خواد؛ چون کاری برای جلوگیری از خروج این همه مهاجر انجام نمی‌ده و افزایش مولید به معنای کمتر شدن قدرت زنانه. حکومت داره دست‌وپا می‌زنه تا زنان رو به نقش‌های سنتی خودشون برگردونه.»

نظام حقوقی‌ای که تمامی امور مهم زندگی زنان از قبیل ازدواج، طلاق، خروج از کشور، حق تحصیل و حق اشتغال را منوط به اجازه از مردان می‌کند، به سهم خود جایگاه دیگری به حاشیه‌رانده را حفظ و تثبیت می‌کند. زن در این نظام حقوقی به مثابه یک طفیلی در نظر گرفته می‌شود که حق و صلاحیت تصمیم‌گیری درمورد زندگی خود را ندارد. به‌طور کلی نظام حقوقی برآیند تحقیر سیستماتیک زنان است. مصاحبه‌کننده ۳ در این مورد بیان می‌کند: «بین الان زن داریم، درآمد داره، تحصیلات داره، بعد مثلاً فکر کن به‌خاطر شغلش قراره به مأموریت کاری بره خارج از کشور. شوهرش باید بیاد اجازه بده. خب این تحقیره دیگه. صغیرانگاری زنه. دیگه تحقیر به چی می‌گن؟»

مصاحبه‌شونده ۲۲ اظهار می‌کند: «حکومت هر نوع حق تعیین سرنوشت زنان رو انکار می‌کنه. حق پوشش و حق بر بدن. بحث قوانین ازدواج. من زن از نظر حکومت یه شهروند کامل نیستم و حقوق انسانی کامل من به رسمیت شناخته نمی‌شه. اگر قرار باشه سرنوشت خودم رو خودم تعیین کنم. پس دیگه نباید کودک‌همسری داشته باشیم. یه جورهایی کودک‌همسری توسط حاکمیت نه تنها به رسمیت شناخته می‌شه، بلکه تشویق هم می‌شه. حالا این کودک‌همسری یه مثاله بین بی‌شمار تبعیض دیگه‌ای که زنان تو این مملکت دارن باهانش زندگی می‌کنن.»

به نظر می‌رسد نظام سیاسی تلاش می‌کند مانع آگاهی‌های زنان شود. کودک‌همسری به صورت گسترده در رسانه ملی و کتاب‌های درسی تشویق و تبلیغ می‌شود. فعالان حوزه زنان که به طرق گوناگون در افزایش آگاهی‌های جنسیتی نقش دارند، دستگیر می‌شوند و سایت‌ها و صفحات فمینیستی در شبکه‌های مجازی فیلتر می‌شوند و همه این اقدامات از مصداق‌های تلاش برای سد کردن انتقال آگاهی است.

مصاحبه‌کننده ۲۲ می‌گوید: «حکومت زن تسلیم می‌خواد. زن فرمان‌برداری می‌خواد که تغییر نخواد. خب تو ایران این روحیه نیست. در برهه‌هایی شاید اکثریت تسلیم بودند، اما اقلیت مدام سعی می‌کرده اکثریت رو تغییر بده و این آگاهی چیزی نیست که بتونی پشش بگیری. زنان ایران نسبت به حقوق خودشون به آگاهی رسیدن. حکومت داره تلاش می‌کنه این آگاهی رو ازتون پس بگیره. آگاهی رو وقتی می‌خوای از جامعه بگیری، جامعه مقاومت می‌کنه.»

۲-۵. تشدید تقابل عاملیت زنان و ساختار پدرسالارانه

این مضمون نشان‌دهنده تشدید مقاومت زنان علیه اعمال قدرت پدرسالارانه است. پدرسالاری مفهومی سیاسی است که بر روابط غیردموکراتیکی اشاره دارد که قدرت به صورت خودکامه، بدون مشارکت و در انسداد کامل سیاسی در انحصار گروه خاصی است (والبی^۱، ۱۹۹۰). زنان هم‌زمان هم در واکنش به پدرسالاری حکومتی و هم پدرسالاری خانوادگی مقاومت می‌کنند. این جنبش در کلیت خود نظام ارزشی جامعه را هدف قرار داد. مطالبه پوشش اختیاری سبلی از خودمختاری فردی و نمادی از داشتن عاملیت فرد بر زندگی‌اش است. مصاحبه‌شونده ۹ در این مورد می‌گوید: «اعتراض زنان اعتراضی علیه پدرسالاری سازمان‌دهی شده بود. بن‌مایه‌های قدرت رو زیر سؤال برد. قدرتی که بدن زن رو در تمامی حیطه‌ها تحت کنترل خودش گرفته. شاید زنان قبلاً تو دل خودشون می‌فهمیدن ظلمی بهشون صورت گرفته و اندک آگاهی‌ای داشتن، اما اینکه به زبون بیارن و اعتراض کنن موضوع متفاوتیه. تو جنبش ژینا کل دنیا شاهد بود که زن ایرانی رسماً اعتراض خودشو علنی و آشکار کرد.»

کنشگری سازمان‌نیافته زنان علیه محدودیت‌های جنسیتی: به نظر می‌رسد بعد از اعتراضات، جسارت و شجاعت زنان برای کنارزدن ارزش‌ها و هنجارهایی که خطوط قرمز حاکمیت و خانواده‌های مردسالار هستند و موقعیت فردی و اجتماعی زنان را تضعیف می‌کنند، تشدید شده است. تا پیش از اعتراضات با وجود محدودیت‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی مقاومتی مویرگی و فردی، اما بی‌شمار از طرف زنان در جریان بود، اما جنبش مهسا این مقاومت را در عرصه عمومی عیان کرد. ۲۴ نفر از مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند با وجود خاموش شدن اعتراضات، کنشگری زنان همچنان ادامه دارد. بخش سیاسی جنبش اگرچه پایان یافت، جنبش اجتماعی و فرهنگی با اعتراض مدنی زنان همچنان در عرصه عمومی نمایان است و زنان هزینه این مقاومت را می‌پردازند.

مصاحبه‌شونده ۱۲ در این مورد بیان می‌کند: «تلاش برای به‌انزواکشاندن و محدودکردن زنان به نام شعائر دینی از سوی برخی تفکرات و در مقابل سعی زنان و دختران ایرانی برای پیشرفت و پیشروی و درجاندن در این بیش از چهار دهه، لحظه‌ای متوقف نشده.»

به‌چالش کشیدن هنجارهای تحمیلی نظام سیاسی: جمهوری اسلامی بعد از استقرار یافتن تلاش کرد تا تمایزات خود از نظام سیاسی پیشین را مشخص کند. یکی از حوزه‌هایی که هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی جلوی چشم ناظران قرار داشت، حوزه زنان بود؛ به‌گونه‌ای که در شرایط گذار از نظام پیشین به نظام سیاسی جدید، یکی از دل‌مشغولی‌های عمده انقلابیون پوشش و نحوه حضور زنان در اجتماع بود؛ بنابراین حکومت درصدد بود تا مدلی اسلامی و در تراز انقلاب از زن ایرانی به جهان معرفی کند. با این‌همه حاکمیت در الگوسازی از زنان زیاد موفق نبود. زنان سوزه‌ها و عاملان منفعلی نبودند و با پیشروی‌های فزاینده و آرام خود خطوط قرمز را تغییر دادند. به محض یافتن روزه‌هایی، مرزهای اجتماعی و فرهنگی را جابه‌جا کردند. نحوه عاملیت زنان در اعتراضات نشان‌دهنده ناکارآمدی مهندسی فرهنگی ساختار سیاسی در بهنجارسازی زن مطلوب از بالا بود. مصاحبه‌شونده ۱۶ در این مورد می‌گوید: «در این دوران خیلی از زنان جلوی همسایه، فامیل و خانواده ایستادن برای اینکه بتونن استقلال خودشون در پوشش رو نشون بدن. زن ایرانی دنبال لخت شدن نیست. دنبال اینه که آزادی عمل داشته باشه و این آزادی عمل رو هم فقط در مسئله پوشش نمی‌خواد. امروز به این نتیجه رسیده که خودش باید تصمیم بگیره که آیا می‌خواد مادر بشه یا نه، نه اینکه حکومت برای رحمش تصمیم بگیره و برای اینکه بتونه عاملیت خودش رو ثابت بکنه، مقاومت می‌کنه. شما سقط‌جنین رو جرم‌نگاری می‌کنید، می‌ره به کشور دیگه سقط‌جنین انجام می‌ده. البته که این امکان برای زن مرفه امکان‌پذیره، اما بحث اینه که هر زنی با توجه به شرایط خودش بالاخره راهشو پیدا می‌کنه.» او در قسمتی دیگر از سخنانش در این مورد می‌گوید: «زنان از ازدواج سرپیچی می‌کنن، مادری رو انتخاب نمی‌کنن، مهاجرت می‌کنن و کلاً لایف استایل زنانه تغییر کرده و این به تغییر بنیادین اعتقادی در بخش‌هایی از زنانه که حاکمیت نمی‌خواد بپذیره.»

۳-۵. نمادین بودن مطالبه پوشش اختیاری

نارضایتی گسترده زنان: تمامی ۲۸ مصاحبه‌شونده به این نکته اذعان کردند که زنان در زمینه‌های مختلف نارضایتی‌های گسترده دارند؛ به‌صورتی که حتی اگر نظام سیاسی در زمینه پوشش اجباری عقب‌نشینی کند، باز هم اعتراض زنان به‌دلیل تبعیض‌های سیستماتیک و چندلایه وجود خواهد داشت. مصاحبه‌شونده ۲۶ با تأکید بر اینکه زنان به‌طور عمیقی تبعیض‌های جنسیتی را در زیست روزمره خود احساس می‌کنند، می‌گوید: «اعتراضات اخیر چون حول محور حجاب اجباری و در اعتراض به عملکرد گشت ارشاد شکل گرفت، وانمود شد که خواست اصلی زنان و جامعه همینه، ولی واقعیت اینه که زنان مسئله‌بودگی رو با تمام وجود احساس می‌کنن؛ مثل احساس تبعیض و بی‌عدالتی که در تمام مراحل زندگی همراهشونه و این مسئله‌بودگی حسی شبیه فرزند ناخواسته‌بودن در خانواده و زیادی‌بودن و اینکه کسی اون‌ها رو نمی‌خواسته و نمی‌خواد بهشون می‌ده.»

تناقض‌های آشکاری در رفتار و گفتار حکومت با زنان دیده می‌شود. اگرچه در اظهارنظرهای رسمی مقامات، از حفظ کرامت و جایگاه زنان صحبت می‌شود، آنچه عملاً در جریان است در تضاد با کرامت زنان قرار دارد. مصاحبه‌شونده ۲ در این مورد توضیح می‌دهد: «حاکمیت مدام تو مسئله زنان به تناقض می‌خوره. از طرفی می‌خواد بگه زنان برای ما ارزشمند هستن و کرامت دارن، اما رفتارهایی می‌کنه که جامعه واضح و آشکار می‌بینه که زن‌ستیزی‌های آشکاری وجود داره. تفاوت رفتار حاکمیت با زنان و مردان

در مورد همه چیز مثل جرائمی که مرتکب می‌شند، آزادی عملی‌ای که دارند، تفریحاتی که دارند، مسئله استادیوم رفتن، ورزشی که می‌خوان انجام بدن یا نند. تبعیض‌های خیلی آشکاری حاکمیت دارد که جامعه می‌فهمد و خیلی تناقض دارد با ادعاهایی که می‌کند؛ ادعایی مثل اینکه زنان برای ما کرامت دارند.»

این تناقض به‌ویژه در الگوی زن تراز انقلاب به چشم می‌خورد. زن تراز انقلاب زنی مبتنی بر انتظارات حاکمیت از زنان است. مصاحبه‌شونده ۲۱ در این مورد می‌گوید: «برای حل مسئله زنان، حکومت تأکید می‌کند که ما دیدگاه سنتی نداریم. ما الگوی سوم داریم؛ الگویی که زن ستون و مدیر خانواده‌ست. هم نقش‌های همسری و مادری برایش اولویت دارد و هم در جامعه‌ست. هم آگاه و تحصیل‌کرده‌ست و هم نقش‌های اجتماعی را ایفا می‌کند. این زن همه‌فن‌حریف که هم مادر ایدئال، هم زن شاغل و هم زن اجتماعی است. این‌ها معنا ندارد تا زمانی که از نظر قانون خانواده و قوانین حقوقی، زن تو این مملکت جنس دومه. نظام حقوقی هنوز در الگوی اوله. زنی که حتی اختیار بدن خودش رو ندارد، هنوز اختیار خروج از کشور رو ندارد، حتی اختیار بچه‌ای که به دنیا آورده نداره، الگوی سوم چه دردی رو می‌خواد ازش دوا بکنه؟ در حقیقت الگوی سومی در کار نیست. همون الگوی اوله. فقط برایش اسم و رنگ و لعاب گذاشتن که تو دنیا بگن ما هم در حوزه زنان حرفی برای گفتن داریم.»

مصاحبه‌شونده ۷ با اشاره به الگوی سوم می‌گوید: «این الگو با واقعیت‌های اجتماعی همخوانی ندارد. زنان رو مجبور می‌کنید نقش‌های مادری، زایش و همسررداری رو ایفا کنن، اون وقت می‌خواید به شکلات بهش جایزه بدید. بگید نه تو می‌تونی همچنان تو اجتماع حضور داشته باشی، مثل خانم فلاذنی که استاد دانشگاه و چهار تا بچه دارد. نه اون خانم فلاذنی شاید خدمتکار دارد، شاید کمک دارد، شاید شرایط عمومیش با شرایط عمومی زنان دیگه متفاوته. به جای خیال‌پردازی و الگوساختن، ما قوانینی نیاز داریم که برابری خواهانه باشه.»

تعطل در تصویب قوانین بازدارنده و سکوت در برابر زن‌کشی‌های گسترده در نقاط مختلف کشور، از دیگر عوامل ناراضی‌های گسترده جامعه زنان است. مصاحبه‌شونده ۲۵ توضیح می‌دهد: «سکوت رضایت‌آمیز حکومت رو در برابر خشونت خانگی و قتل‌های ناموسی داریم می‌بینیم. هیچ واکنشی به این مسئله نشون نمی‌ده. اینو به مسئله خصوصی می‌دونه. طرف می‌آد سر زنش رو می‌بره، اندازه اینکه سر به اسب رو بریده باشه، احساسات عمومی جریحه‌دار نمی‌شه، ولی دخترهای خیابون انقلاب چون روسری‌هاشونو درآوردن بیست‌سال برای اون‌ها زندان بریدن، ولی برای این آقا نبریدن. این جور اقدامات زنان رو به این یقین می‌رسونه که واقعاً شهروند درجه دو برای حکومت محسوب می‌شن.»

به نظر می‌رسد نظام حکمرانی در مواجهه با مسائل زنان دچار بلاتکلیفی و سردرگمی است. ناهماهنگی میان آنچه حکومت درباره زنان می‌گوید و آنچه در سیاست‌گذاری‌ها اعمال می‌شود، از عوامل اصلی ناراضی‌های زنان است. با وجود تأکید گفتاری نظام سیاسی بر حضور اقتصادی و اجتماعی زنان در عرصه‌های گوناگون، در واقعیت تبعیض‌های جنسیتی ساختاری مانعی جدی برای رشد و پیشرفت زنان است. آمار پایین اشتغال زنان علی‌رغم نرخ بالای تحصیلات به‌خوبی گواهی بر این ادعا است. مطابق برآوردهای بانک جهانی، مشارکت اقتصادی زنان در ایران به‌قدری اندک است که در نظام اقتصادی ایران می‌توان آن‌ها را «حاشیه‌نشینان تحصیل‌کرده» خطاب کرد (امتداد نیوز، ۱۴۰۲). همچنین گزارش جهانی شاخص شکاف جنسیتی نشان می‌دهد رتبه ایران در سال ۲۰۲۳ مانند سال پیش از آن، ۱۴۳ از میان ۱۴۶ کشور بوده است و تنها سه کشور افغانستان، چاد و الجزایر وضعیتی بدتر از ایران داشته‌اند. همچنین در جدیدترین گزارش «زنان، کسب‌وکار و قانون» ایران با میانگین ۳/۳۱ و با فاصله‌ای قابل توجه از میانگین منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تنها از سه کشور انتهای جدول (سودان، یمن و نوار غزه) وضعیت بهتری دارد (کدیور، ۱۴۰۱). در حوزه قوانین زنان و بحث

خشونت، نوعی انفعال آگاهانه و عامدانه از سوی قانون‌گذار در جریان است که مسئله زنان را به رسمیت نمی‌شناسد و قوانین فاقد بازدارندگی کافی است.

۴-۵. کنترل سیاسی و حکومتی بدن زنان

پوشش اجباری به منزله هویت نظام سیاسی: پوشش زن دلالت سیاسی دارد. تن زنانه در گفتمان انقلاب در خط‌کشی فرهنگی و سیاسی با گفتمان پهلوی به امری سیاسی تبدیل شد؛ به گونه‌ای که بعد از استقرار انقلاب اسلامی نوع پوشش زنان حکم پاشنه آشیل حاکمیت را پیدا کرد. بدن سیاسی شده محل نزاع دو گفتمان شد. مصاحبه‌شونده ۴ اظهار می‌کند: «جمهوری اسلامی با حجاب، یه امر شرعی و امر قدسی رو تبدیل به یه امر ایدئولوژیک کرد. چون از روز اول می‌خواست یه الگوسازی در حوزه زنان انجام بده. وقتی پوشش تبدیل به نماد می‌شه، نماد یک سبک حکمرانی و حکمرانی اصرار بر تحقق این نماد داره، جامعه در مقابلش مقاومت مدنی می‌کنه. شما نمی‌تونید کارخونه تولید انسان راه بندازید و آدم‌ها رو جوری که دوست دارید تربیت کنید. جامعه زنده‌ست و مقاومت می‌کنه.»

مصاحبه‌شونده ۱۹ نیز بیان می‌کند: «نظام سیاسی دو نماد هویتی برای خودش انتخاب کرده. یکی حجاب اجباری، یکی محور مقاومت. حکومت از همون روز اول نماد اسلامی بودن خودش رو روی پوشش زنان گذاشت؛ بنابراین متزلزل شدن حجاب قطعاً برای ساختار بار سیاسی داره.»

با ایدئولوژیک شدن مسئله پوشش، طی دهه‌ها نظام سیاسی از تمامی توان و امکانات بالقوه فرهنگی و پلیسی برای تمکین کردن زنان از این مسئله استفاده کرد. به نظر می‌رسد بعد شرعی پوشش اسلامی برای ساختار فاقد اهمیت است و بیشتر از آن جهت که بار فقهی بودن حاکمیت را به نمایش می‌گذارد، اهمیت دارد و به همین دلیل حاضر نیست از آن عقب‌نشینی کند. چند نفر از مصاحبه‌شوندگان نیز ضمن سیاسی بودن پوشش زنان به این نکته اشاره کردند که حکومت با آگاهی از این مسئله که اگر در برابر حجاب کوتاه بیاید، دیگر مطالبات زنان را هم باید پاسخگو باشد و این فرایند مثل یک دومینو است که سبب می‌شود حاکمیت از تمامی ارزش‌های ایدئولوژیک خود عقب‌نشینی کند. مصاحبه‌شونده ۶ در این مورد می‌گوید: «حجاب الان رسیده به یه تیکه پارچه پنج سانتی روی سر و فقط می‌خوان یه چیزی روی سر زن‌ها باشه. الان این پنج سانت سنگر نظام سیاسیه. اگر عقب‌نشینی کنه می‌دونه که بعدش باید به مسائل زنان هم پاسخ بده. اگر مسئله روزمره زن حل بشه احتمالاً می‌ره سراغ حقوق ازدواجش، دیه برابر، ارث برابر، دستمزد برابر و مسائل دیگه. حکومت زن رو با مسئله روزمره‌ش یعنی حجاب درگیر کرده.»

مصاحبه‌شونده ۵ با تأکید بر مفهوم کنترل بر بدن نیز معتقد بود که با برداشته شدن اصل اجبار در پوشش که نمودی از اختیار زنان بر بدنشان است، مناسبات جنسیتی در جامعه تغییر خواهد کرد و این امر خوشایند حاکمیت نیست: «بحث بدن شروع خیلی از مطالبات دیگه‌ست. کنترل بدن زنان، ناقص‌سازی جنسی رو سبب می‌شه، قتل ناموسی و خشونت‌های خانگی رو سبب می‌شه، طلاق ندادن زنان رو سبب می‌شه، زنان کنترل بدن خودشون رو به دست بگیرن، خیلی دیگه از مناسبات جنسیتی تغییر خواهد کرد. وقتی اختیار انتخاب پوشش رو داشته باشی، مسلماً بعدش دنبال چیزهای دیگه می‌ری و این مسئله خطوط قرمز حاکمیت رو تحت تأثیر قرار می‌ده.»

۵-۵. پیامدهای جنسیتی

برجسته‌شدن حقوق زنان در جامعه: به نظر می‌رسد با اعتراضات ۱۴۰۱ مسئله زنان از سوی عموم افراد جامعه به رسمیت شناخته شده است. زنان از نیروی اجتماعی در حاشیه به نیروی سیاسی در متن تبدیل شدند. با پررنگ شدن مسئله زن، صدای محذوف زنان اقلیت نیز شنیده شد. اگرچه تا چندی پیش مطالبه‌گری متعلق به زن طبقه متوسط مرکز نشین بود، اعتراضات ۱۴۰۱ به زنانی که درگیر تبعیض‌های چندلایه هستند، این امکان را داد تا بیشتر از همیشه تجربه زیسته و مطالباتشان را روایت کنند. در اعتراضات ۱۴۰۱ شاهد روایتگری‌های زنان کرد و بلوچ از موقعیت‌های مختلف سرکوب بودیم؛ سرکوبی که برآیند ستم جنسیتی، قومی و مذهبی است. با وجود محدودیت‌های اینترنت، زنان اقلیت‌ها بیشتر از هر زمان دیگری با کنشگری آنلاین امکان دیده و شنیده شدن پیدا کردند. مصاحبه‌شونده ۲۳ در این مورد می‌گوید: «در این اعتراضات ما برای اولین بار شاهد بودیم که صدای زنان اقلیت شنیده شد. ببینید جنبش با مطالبه‌گری زن طبقه متوسط شروع شد، اما در ادامه زن اقلیت هم بهش پیوست.»

مصاحبه‌شونده ۱۸ نیز توضیح می‌دهد: «زنانی که در موقعیت‌های مختلف سرکوب قرار دارن، مثل زنان بلوچ، با ستم‌های چندگانه‌ای مواجه هستن. جنبش ژینا به دلیل خصلت زنانه‌ش باعث شد تا زن بلوچ هم نوعی از کنشگری رو تجربه کنه. البته اون دسته از زنان بلوچی که از میزانی از آزادی برخوردارن، نه همه‌شون.»

همچنین حساسیت افکار عمومی به تبعیض‌های جنسیتی بیشتر شده است. عموماً مباحث مربوط به فمینیسم و جنسیت با اقبال بیشتری از طرف عموم مردم و به‌ویژه مردان مواجه می‌شود. درون خانواده‌ها نیز درمورد مسائل زنان گفت‌وگوی همدلانه شکل می‌گیرد. مصاحبه‌شونده ۱۴ می‌گوید: «در فضای مجازی به‌نظر می‌رسد نسبت به قبل حساسیت افکار عمومی به تبعیض‌ها علیه زنان به مقداری بیشتر شده؛ یعنی وقتی تبعیضی علیه زنان صورت می‌گیره، خیلی‌ها واکنش نشون می‌دن؛ درحالی‌که قبلاً این‌طوری نبود. مثلاً درمورد خشونت‌هایی که علیه زنان صورت می‌گیره، قتل‌های ناموسی که صورت می‌گیره، همدلی مردم خیلی بیشتر از گذشته شده...»

درک مردان از تبعیض و ستم علیه زنان: مصاحبه‌شوندگان به این نکته اشاره کردند که در اعتراضات زنان شاهد حمایت و همراهی مردان بودند. البته برخی از پاسخ‌دهندگان این حمایت را در راستای ناموس‌انگاری زنان و برخی نیز به دلیل مخالفت با حکومت می‌دانستند. مصاحبه‌شونده ۸ اظهار می‌کند: «خیلی از مردان هنوز هم دید ناموس‌انگاری به زنان دارن؛ مثلاً می‌گن اینا ناموس ما هستند. کسی حق نداره بهشون بگه چی تنت بکن یا نکن. به بخشی از مردها این هستن و به نظرم آگاه نیستن و باید آگاه بشن، اما به نظرم اینکه مردها به چه دلیل حمایت کردن خیلی مهم نیست. مهم اون حمایتی که ما نباید این حمایت رو از دست بدیم.»

به نظر می‌رسد بعد از اعتراضات، رفتارهای آزاردهنده مردان از قبیل نگاه‌های خیره و متلک گفتن به زنان کمتر شده است. ۲۳ نفر از مصاحبه‌شوندگان به این مسئله اشاره کردند و آن را از دستاوردهای مهم اعتراضات مهسا می‌دانستند. مصاحبه‌شونده ۲۸ در این مورد می‌گوید: «مردان درک کردن که تجربه زیسته زنان چقدر مبتنی بر رنج و محرومیت‌ه. رنج زنان مرئی شد. همدلی جامعه به‌ویژه مردان جوان با زنان بر سر حقوقشون بیشتر شد. اینکه زن هم یک انسانه، حق داره زندگیش رو خودش تعیین کنه. من باید این انسان رو به رسمیت بشناسم. در اعتراضات، مردان حواسشون به زنان بود. حمایت می‌کردن. سپری بودن برای زنان... همراهی مردان قابل‌انکار نیست، ولی هنوز خیلی راه داریم تا رسیدن به برابری حقوقی در خانواده.»

تغییر ذهنیت‌ها به زن بی‌حجاب: به دلیل سیاسی بودن امر پوشش در جامعه ایران، زن بی‌حجاب علاوه بر سوژه‌ای مطالبه‌گر تبدیل به سوژه‌ای سیاسی نیز شد؛ به‌گونه‌ای که وقتی زنان بدون حجاب در خیابان حضور پیدا می‌کنند، گویی در حال انجام دادن یک

کنش سیاسی هستند. نمادسازی‌های سیاسی از پوشش، حامل فشارهای مضاعفی برای تمامی زنان چه باحجاب و چه بی‌حجاب است. «در فضای داخلی ایران نوع لباسی که فرد می‌پوشد، حامل پیامی درمورد موقعیت سیاسی و مذهبی او است» (گی‌یون کو^۱، ۲۰۱۴: ۳۸). آنچه در مصاحبه‌ها بیشتر به آن اشاره شد، تغییر ذهنیت و نگاه به زنان بی‌حجاب بود. اگر قبلاً این دسته از زنان در معرض انگ‌زنی‌هایی مانند اغواگر و بی‌بندوبار بودند، بعد از اعتراضات گویی با بی‌حجابی در حال مبارزه سیاسی هستند. به این زنان لقب شجاع زده می‌شود و عموم افراد جامعه نگاهی توأم با احترام به آنان دارند. به‌نظر می‌رسد امروزه بی‌حجابی در جامعه به ارزش تبدیل شده است. مصاحبه‌شونده ۲۸ در این مورد می‌گوید: «نگاه جامعه به زنان تغییر کرده. نگاه جامعه نسبت به حجاب‌نداشتن تغییر کرده. زن بی‌حجاب به فرد مبارزی تبدیل شده که به دنبال کنترل بدن خودش. جامعه در حال تحسین کردن این زنانه؛ یعنی شما وقتی بدون روسری می‌ری بیرون، نگاه‌های تحسین‌آمیز رو احساس می‌کنی. قبل از اعتراضات، زنانی که بی‌حجاب بودند، به‌عنوان زنانی که دنبال جلب‌توجه هستند یا مثلاً دنبال اغواگری شناخته می‌شدن، اما بعد از اعتراضات این تصویر کاملاً شکسته شده و همون زنانی که عروسکی خونده می‌شدن، به‌عنوان مبارز شناخته می‌شن.»

به بیان مصاحبه‌شونده ۱۸: «برامون غیرقابل‌پیش‌بینی بود که روزی بتونیم بدون حجاب وارد مکان‌های دولتی بشیم و نه تنها توهین نشویم، بلکه نگاه‌های تحسین‌برانگیزی هم ببینیم که این افراد مبارز هستند که دارن این‌طور عمل می‌کنن.»

۵-۶. پیامدهای اجتماعی و فرهنگی

رنسانس در زیر پوست جامعه: در چند دهه اخیر باورها، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در حال تغییر بوده است. حرکت از ارزش‌های مذهبی و سنتی به سمت عرفی‌شدن و مدرن‌شدن در جامعه ایرانی نمایان است. عرفی‌شدن از این جهت که به‌نظر می‌رسد عموم اعضای جامعه از ارزش‌های ایدئولوژیک حکومت که ترویج می‌شود، فاصله گرفته‌اند. ارزش‌های جامعه با ارزش‌های حاکمیت تضاد دارد و این اتفاق صرفاً نتیجه اعتراضات نیست، بلکه به‌تدریج و در سال‌های متوالی این تغییرات رخ داده است؛ تغییراتی که از سال‌ها قبل در جامعه ایرانی در جریان بود، اما با اعتراضات ۱۴۰۱ سرعت پیدا کرد. مصاحبه‌شونده ۵ می‌گوید: «جنبش مهسا سرعت تغییرات فرهنگی رو که از قبل در جامعه شروع شده بود، به اندازه پنجاه سال جلو برد و این دستاورد رو ما نباید کم ببینیم.»

مصاحبه‌شونده ۱۲ نیز در این مورد توضیح می‌دهد: «ما نباید انتظار داشته باشیم که کشور به قبل از شهریور ۱۴۰۱ برگردد. این امکان اصلاً دیگه وجود نداره. بخش آوانگارد و پیشرو جامعه با این اعتراضات، دوره تازه‌ای از حیات اجتماعی رو آغاز کرده، تحرک اجتماعی و فرهنگی بیشتر شده و با به‌گفتمان دگرباره و رؤیاهای تازه روبه‌رو شده، نظم اجتماعی نوینی در حال ظهوره که می‌تونیم ارزش به پوست‌اندازی و رنسانس بزرگ اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران یاد کنیم که بخش بزرگی از جامعه از جمله زنان، جوانان، نخبگان و طبقات متوسط شهری رو درگیر خودش کرده.»

در جامعه ایرانی، افراد معمولاً به زیست رسمی و به زیست غیررسمی دارند. فرد در عرصه عمومی به‌دلیل ملاحظات شغلی و ترس از عدم درگیری با ساختار مجبور است طبق ارزش‌های حاکم ظاهر شود، اما در عرصه خصوصی، برخلاف آن چیزی که در عرصه عمومی است، رفتار می‌کند. وضعیتی که احمدی خراسانی نام آن را «گلخانه‌های خصوصی و نیمه‌عمومی» می‌گذارد. محیط‌هایی که دور از چشم حکومت امکان معاشرت آزادانه دختران و پسران، برگزاری رقص و ورزش و مهمانی‌های مختلط در آن فراهم است (احمدی خراسانی، ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲). بعد از اعتراضات مهسا، زیست غیررسمی پنهان در جامعه نمایان شد. در بطن درگیری‌های

سیاسی و اجتماعی، شکاف‌های فرهنگی بیشتر از همیشه نمایان می‌شوند. آنچه سال‌ها در عرصه خصوصی پنهان بود، در عرصه عمومی به صورت بی‌حجابی‌های جمعی ساختارمند، رقص‌های مختلط در مناطق توریستی در حال آشکارشدن است. شاید افراد قبلاً اندک احترامی برای ارزش‌های رسمی داشتند، اما بر اثر شکاف روزافزون ملت و دولت به نظر می‌رسد افراد آنچه را که عمیقاً به آن باور و اعتقاد دارند در عرصه عمومی فریاد می‌زنند.

نوعی گسست از نظام مذهبی آمیخته به اسلام سیاسی در جامعه دیده می‌شود و این امر موجب شکل‌گیری دینداری عرفی در مقابل دینداری رسمی و ایدئولوژیک شده است. به بیانی دیگر، تلقی و برداشتی که افراد جامعه از نهاد دین دارند با نوع برداشتی که حکومت از نهاد دین دارد، متفاوت است. براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۴۰۲، ۷۲/۹ درصد پاسخگویان موافق جدایی نهاد دین از سیاست بودند (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۴۰۲).

به نظر می‌رسد شدت تغییرات در محیط‌های غیررسمی و خصوصی نظیر خانه‌ها بیشتر باشد. زنان آنچه را که در باطن به آن اعتقاد دارند اظهار می‌کنند. این جنبش به زنان جرئت و جسارت داد تا هم با پدرسالاری عمومی و هم خصوصی مقابله کنند. به سخن مصاحبه‌شونده ۵: «من این مسئله رو به‌عینه دارم می‌بینم که تا قبل از این جنبش شاید برخی زنان به صورت ذهنی تصمیماتی می‌گرفتن، اما توان عملی‌کردنش رو نداشتن. بعد از این اتفاقات، جرئت عملی‌کردنش رو پیدا کردن؛ مثلاً اگر کسی قصد طلاق داشته، ولی جسارتشو نداشت، این جنبش بهش اعتمادبه‌نفس داده که من به‌عنوان یک زن می‌تونم این قدرت رو داشته باشم که تصمیمم رو عملی کنم. در خیلی موارد دیگه هم همین. یا مثلاً من در اطرافیانم می‌بینم پافشاری زن‌ها برای گرفتن شروط ضمن عقد بیشتر شده.»

حق اختیار بر پوشش از سوی بخش‌های بیشتری از جامعه نیز به رسمیت شناخته شد. جامعه دیگر نداشتن حجاب را به‌منزله هنجارشکنی در نظر نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد شاهد نوعی رواداری فرهنگی در این خصوص هستیم و تکثرگرایی فرهنگی از سوی بخش وسیع جامعه پذیرفته شده است؛ به‌نحوی که براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۴۰۲، ۴۶ درصد گفته‌اند هرچند مخالف بی‌حجابی هستند، کاری با بی‌حجابی دیگران ندارند و ۳۸ درصد تأکید کرده‌اند که اساساً مشکلی با بی‌حجابی زن‌ها ندارند؛ یعنی در مجموع ۸۴ درصد مردم کاری به بی‌حجابی زنان ندارند و تنها ۱۲/۵ درصد اعلام کرده‌اند که در صورت مشاهده بی‌حجابی تذکر می‌دهند (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۴۰۲). جامعه با مکانیسم‌های خودتنظیمی در حال حل کردن مناقشه پوشش است. بعد از اعتراضات، بی‌حجابی از امری فردی به کنشی جمعی تبدیل شد و شکل ساختارمند به خود گرفت. مصاحبه‌شونده ۲۵ در این مورد اظهار می‌کند: «در خانواده‌های مذهبی زن‌ها آزادتر شدن. زن‌ها دارن از حقشون دفاع می‌کنن. اگر مثلاً تا قبل از اعتراضات زن خانواده مذهبی مثلاً در جمع دوستانه‌ش یواشکی روسریش رو برمی‌داشت، الان در خانواده خودش هم به راحتی اعلام می‌کنه که من اعتقادی به حجاب ندارم. زن‌های معتقد به حجاب خیلی هاشون دیگه چادر سرشون نمی‌کنن؛ چون چادر شده نماد ایدئولوژی حاکم. به همین دلیل چادر رو گذاشته کنار، یه روسری سرش می‌کنه، کاملاً هم حجاب شرعی داره. حتی گرفتن شروط ضمن عقد نسبت به سال‌های پیش بیشتر شده. قطعاً بخشی از این تغییرات نتیجه سال‌ها آگاهی‌رسانی فعالان زن هست، اما جنبش مهسا کاتالیزور خوبی بود و روند رسیدن به آگاهی رو سرعت بخشید.»

۷-۵. تشدید «مسئله زن» برای نظام سیاسی

تمامی مصاحبه‌شوندگان معتقد بودند زن برای نظام حکمرانی یک مسئله حل‌نشده است. بر ساخت ایده زن تراز انقلاب اسلامی از ابتدای انقلاب و پررنگ‌تر شدن آن در دهه چهارم انقلاب نشانه این است که زن و مسائل مربوط به آن از قبیل پوشش، روابط

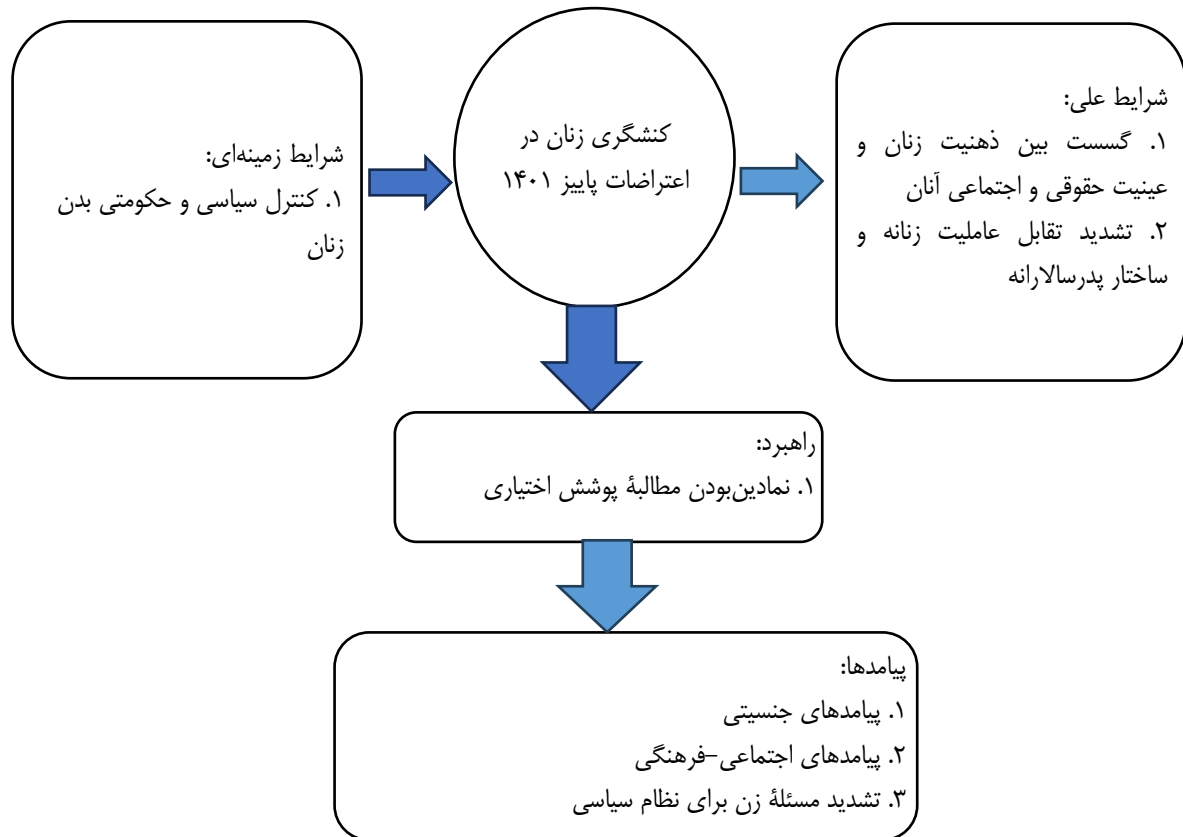
جنسیتی، نحوه رفتار و حضور زنان در عرصه عمومی، نشانه مسئله‌بودگی برای نظام سیاسی است؛ مسئله‌ای که تلاش شده است با الگوسازی و سعی در بهنجارسازی زنان برای قرارگرفتن در الگوی زن تراز آن را حل کنند. مصاحبه‌شونده ۱۱ در این مورد می‌گوید: «ما از همون سال ۵۷ مسئله بودیم. به روش‌های مختلف این رو به ما فهموندن. با تفکیک جنسیتی کردن، با تعیین مقررات در حوزه پوشش، با تغییردادن قانون خانواده. با تمام این اقدامات سعی کردن مسئله‌بودگی زنان رو حل کنن، اما خب موفق نشدن. دیدن زن‌ها زیر بار نمی‌زن.»

در دهه‌های اخیر زنان، پیشگام تغییرات اجتماعی و فرهنگی در جامعه بوده‌اند. همان‌گونه که در دوره پهلوی زنان و نحوه حضورشان در جامعه نمادی از مدرنیسم و برساخت نظم جنسیتی جدیدی بود، امروزه نیز زنان ویتترین اصلی میل به تجدد و توسعه هستند. اولین محل منازعه سنت و مدرنیته مسئله زن است. به همین دلیل هرگونه تغییرات در حوزه زیست زنانه از قبیل پوشش، مناسبات جنسی و جنسیتی و تغییرات نقش‌های جنسیتی در خانواده و دوری‌گزینی از الگوی زن مطلوب پروبلماتیک بودن زن برای ساختار سیاسی را تشدید می‌کند. مصاحبه‌شونده ۲۰ توضیح می‌دهد: «اعتراضات بیشتر از هر زمان دیگه‌ای مسئله زن رو برای حکومت برجسته کرد. من فکر می‌کنم حکومت در یه باتلاقی گیر کرده. مسئله زنان الان برای حکومت به‌مثابه باتلاقیه که درش گرفتار شده. یعنی نه قادره زنان رو به اطاعت کامل وادار کنه و نه اینکه می‌تونه از کنترلی که روی تمام حوزه‌های زندگی زنان اعمال می‌کنه عقب‌نشینی کنه.»

تصلب و ناگزیری نظام سیاسی: به نظر می‌رسد بعد از اعتراضات، به نحو پارادوکسیکالی اگرچه سخت‌گیری‌ها بر سر حجاب بیشتر و برخوردها با زنان به سبکی دیگر شدت گرفت، درعین حال نظام سیاسی نوعی احتیاط را در تصویب قوانین مربوط به زنان در پیش گرفته است. مصاحبه‌شونده ۲۷ درمورد تشدید برخوردها با زنان بعد از اعتراضات می‌گوید: «ما سال‌هاست قانون حجاب اجباری رو داریم. سال‌هاست تبصره ماده ۶۳۸ در قانون هست، اما در تمام این سال‌های وکالت‌م شاید یک یا دو مورد شنیده‌م که طرف تو خیابون بدون حجاب بوده و پرونده‌ش به این علت رفته دادگاه، اما از پارسال تا الان فقط پرونده‌های حجاب داریم و چندین هزار برابر شده. تا قبل از این اعتراضات، این تبصره جزء مواد متروک قانون بود و اجرا نمی‌شد. نهایتاً گشت ارشاد می‌گرفت یه تذکر می‌داد و تمام. از بعد اعتراضات تا الان نه تنها داره اجرا می‌شه، بلکه چندین برابر شده. الان، هم گشت ارشاد می‌گیره، هم برات پرونده می‌سازه، هم ماشینتو توقیف می‌کنه، هم پول پارکینگ باید بدی، هم پول جرثقیل باید بدی.»

رفت و برگشت‌های مکرر لایحه حجاب و عفاف بین مجلس و شورای نگهبان و تعلل در تصویب، گذاشتن حجاب‌بان در ایستگاه‌های مترو و پرهیز از گردن گرفتن از سوی نهادهای مرتبط نشان‌دهنده آن است که حکومت نگران واکنش افکار عمومی است. مصاحبه‌شونده ۵ توضیح می‌دهد:

«همین که تونل وحشت راه می‌ندازن و هیچ‌کس گردن نمی‌گیره، این یعنی حکومت نگران واکنش مردمه؛ چون خیلی محکم و سفت‌وسخت و اینسازن بگن بله ما این کارو کردیم. سعی می‌کردن همه از زیر بار این مسئولیت فرار کنن؛ یا مثلاً بخشنامه محرمانه‌ای که برای حجاب افشا شد؛ درحالی‌که می‌تونست یه بخشنامه رسمی باشه که اعلام شده و حاکمیت ترسه که بخواد اونو محرمانه اعلام کنه.»



شکل ۱. مدل زمینه‌ای کنشگری زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ و پیامدهای آن برای جامعه و حکومت

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این مطالعه تلاش بر آن بود که ریشه‌های اجتماعی حضور زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ از منظر زنان کنشگر سیاسی و اجتماعی بررسی شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد بازاندیشی زنان در ارزش‌های رسمی به شکاف میان انتظارات زنان و واقعیات حقوقی، اجتماعی و فرهنگی آنان منجر شده است. افتراق ایجادشده که ناشی از به‌رسمیت‌نشناختن تغییرات ارزشی و نگرشی زنان توسط نظام حکمرانی است، احساس نادیده‌انگاری و درحاشیه‌بودگی را در زنان ایجاد کرده است. زنان به‌مثابه یکی از گروه‌های نادیده‌گرفته‌شده از راه بازنمایی هویت برساخت‌شده خود به مقاومت در برابر ارزش‌های مسلط می‌پردازند و با برجسته‌کردن نمادهای مقاومت سعی می‌کنند تا هویت سرکوب‌شده خود را بازیابند. طی اعتراضات، تقابل زنان با حاکمیت تشدید شد که حاکی از سوژگی زنان در برابر محدودیت‌های ساختاری است. کنترل سیاسی و حکومتی بدن زنان طی چند دهه سبب شد تا زنان اعتراض خود به حاکمیت را با مکانیسم پوشش اختیاری مطرح کنند؛ درحالی‌که نارضایتی‌های زنان عمق گسترده‌ای دارد و صرفاً معطوف به پوشش نیست. تأکید زنان کنشگر سیاسی و اجتماعی بر این نکته بود که پاسخ‌دادن به مطالبات زنان توسط ساختار سیاسی، مسئله‌بودگی زنان برای حکومت را تشدید کرده و شکاف ایجادشده میان زنان و حاکمیت، نمودی از شکاف دولت و ملت است. بخشی از آنان نیز تأکید

بر به رسمیت شناختن زیست متفاوت بخش قابل توجهی از زنان جامعه داشتند و معتقد بودند به صورت سیستماتیک جایگاه درحاشیه بودگی این زنان توسط ساختارهای موجود مدام بازتولید می‌شود.

تا قبل از اعتراضات ۱۴۰۱ عموماً مقاومت‌های فردی زنان از نوع پیشروی آرام، برای جامعه نامرئی بود، اما بعد از اعتراضات مقاومت‌های زنان علنی و آشکار شد. نوع مواجهه نظام حکمرانی با زنان سبب شده است که زنان نسبت به وضعیت موجود موضعی رادیکال‌تر اتخاذ کنند. در اعتراضات ۱۴۰۱ زنان به نقطه‌ای رسیدند که مطالبه‌گری علنی را حق خود می‌دانند. مطالبه‌گری‌هایی که در راستای تلاش برای به رسمیت شناخته شدن به عنوان شهروند است. این اعتراضات جنبشی مبتنی بر سبک زندگی با محوریت زنان و همراهی مردان بود که به شکل خشونت‌پرهیز و مدنی تلاش کرد مطالبه‌گری کند. اعتراضی به زندگی دستوری آمیخته به ایدئولوژی اسلام سیاسی که به شکاف بین زندگی رسمی و عرفی شهروندان منجر شده است. تقاضا برای یک زندگی آزادانه، از مطالبات اصلی در این جنبش بود؛ جنبشی متعلق به نادیده‌گرفته‌شدگان که به دلیل ماهیت زنانه‌اش، تمامی گروه‌های اجتماعی که به نوعی تجربه درحاشیه بودگی داشتند به آن پیوستند.

به نظر می‌رسد در نظام حکمرانی، اجماعی بر سر مسائل زنان وجود ندارد و ساختار در این مورد در یک بلاتکلیفی مطلق به سر می‌برد؛ درحالی‌که با تغییرات عمیق اجتماعی و فرهنگی و پیشگام‌بودن زنان در این تغییرات که گذار هویتی در آنان را تسهیل کرده است، نظام سیاسی نیازمند است تا در سیاست‌گذاری‌های خود تعریف جدیدی از هویت زنانه را پذیرا باشد. هرچند این امر محتمل به نظر نمی‌رسد، با این حال زنان راه خود را می‌روند و همچنان به مقاومت روزمره و اقدام‌های فردی برای مقابله با تبعیض‌های ساختاری و سیستماتیک ادامه می‌دهند.

در بخش پیامدها نیز این مطالعه نشان می‌دهد اعتراضات ۱۴۰۱ تحولاتی ذهنی و دیدگاهی در افراد ایجاد کرد. زنان به عنوان عاملان تحول خواه به عرصه آمدند و مسائلشان در جامعه نمود بیشتری یافت. پوشش اجباری به چالش کشیده شد. مخالفت با پوشش اجباری از سوی بخشی از جامعه، ناهنجاری در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه یک «حق انتخاب» است. زنان سبک زندگی عرفی خود را بیشتر از گذشته در زندگی روزمره تحقق می‌بخشند. با این اعتراضات، تغییرات در زیر پوست جامعه عیان‌تر شد و تحولات فرهنگی سرعت پیدا کرد. نوعی گسست از کلیشه‌های سنتی در جامعه دیده می‌شود. همراه با این تغییرات کلی، جنبش مبتنی بر پیشروی آرام زنان همچنان در سطح شهر در جریان است. اعتراضات ۱۴۰۱، نوع کنشگری‌های معترضان و آثاری که این جنبش بر جامعه داشت، نشان‌دهنده شکست پروژه تحمیل سبک زندگی از بالا است.

محدودیت این مطالعه این است که بخشی از نتایج مطالعه مبتنی بر آثار اعتراضات بر جامعه است، با توجه به اینکه مصاحبه‌شوندگان در استان تهران سکونت داشتند، قابلیت تعمیم‌دهی به شهرهای دیگر به‌خصوص شهرهای کوچک را ندارد. برخی از مصاحبه‌شوندگان هم به این مسئله اشاره کردند که شاید وضعیت در شهرهای کوچک متفاوت‌تر باشد. همچنین به دلیل حساسیت موضوع مطالعه، ترغیب کردن مصاحبه‌شوندگان به انجام مصاحبه از دیگر محدودیت‌های جدی این پژوهش بود. به نظر می‌رسد بخشی از مصاحبه‌شوندگان مقداری خودسانسوری حین مصاحبه داشتند و دچار نوعی ترس بودند.

مأخذ مقاله: مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده دوم با عنوان «مطالعه ریشه‌های اجتماعی حضور زنان در اعتراضات پاییز ۱۴۰۱ و آثار متقابل آن بر جامعه و نظام سیاسی» گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. در این مقاله تعارض منافعی وجود ندارد.

منابع

- نصرت خوارزمی، زهره، قاسم‌پور، فاطمه، و نصرت خوارزمی، حنا (۱۳۹۹). کنش فرهنگی زنان پس از انقلاب اسلامی: تحلیل گفتمان مطالبات فمینیسم اسلامی در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۹(۴)، ۹۳۱-۹۶۶.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2019.290212.947>
- علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد، ملکی، امیر، و جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان عدالت جنسیتی در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۶(۲)، ۲۰۳-۲۲۹.
<https://doi.org/10.22059/jisr.2017.233842.527>
- حسینی، راضیه، و اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۹). ناچنبش زنان و تغییر در مناسبات اجتماعی در ایران. *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، ۱۱(۳)، ۵۹-۸۵.
<https://doi.org/10.30465/scs.2020.26330.2060>
- قلی‌پور، مجتبی (۱۴۰۲). گذار از جنبش خطی به جنبش سیال: چارچوبی برای درک دوره نهفتگی جنبش‌های اجتماعی. *فصلنامه مطالعات راهبردی*، ۲۶(۱)، ۶۷-۹۷.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.17350727.1402.26.99.3.5>
- احمدی خراسانی، نوشین (۱۴۰۲). حجاب اجباری، جنبش ژینا و طبقه متوسط، قابل‌دسترس در سایت کانون زنان ایرانی به آدرس:
<http://www.ir-women.com>
- افکارسنجی نگرش‌های جنسیتی و حقوق زنان براساس پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۴۰۲، قابل‌دسترس در کانال تلگرامی فکت پرس به آدرس: http://www.t.me/factpress_ir
- ایران، الجزایر و افغانستان در جدول شاخص شکاف جنسیتی از آخر اول شدند، ۱۴۰۲، قابل‌دسترس در کانال تلگرامی امتداد نیوز به آدرس:
<http://www.t.me/emtedadnet>
- آل‌سیدعفور، سید محمدتقی، و زهیری، علیرضا (۱۳۹۵). سیاست، هویت و جنبش‌های اجتماعی جدید. *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱۹(۷۴)، ۱۱۹-۱۴۰.
https://psq.bou.ac.ir/article_21865.html
- بیات، آصف (۱۳۹۰). *زندگی همچون سیاست، چگونه مردم عادی خاورمیانه را تغییر می‌دهند*. ترجمه فاطمه صادقی. آمستردام: آمستردام. توحیدلو، سمیه (۱۴۰۲). فراتر کتب تحلیل‌های موجود درباره اعتراض‌های ۱۴۰۱ ایران. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲۳(۴)، ۱۴۵-۱۷۹.
<https://doi.org/10.22034/jsi.2023.1996220.1650>
- جامعه ایران پس از جنبش ژینا: تغییرات بنیادین و اعجاب‌انگیز، ۲۳ شهریور ۱۴۰۲، قابل‌دسترس در سایت رادیو زمانه به آدرس:
<http://www.radiozamaneh.com>
- رهبری، محمد (۱۴۰۲). اعتراض‌های پاییز ۱۴۰۱ فراتر از اعتراضی زنانه و فمینیستی. *ششمین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران*. انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- عبدالوهابی، امید (۱۴۰۲). زنان، کنشگری سیاسی و سوپه زنانه جنبش اجتماعی ۱۴۰۱ زن زندگی آزادی. *ششمین همایش ملی پژوهش اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران*. انجمن جامعه‌شناسی ایران.
- خرمشاد، محمدباقر، و حسین قزل‌ایاق، ایمان (۱۴۰۲). تحولات کنشگری سیاسی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴(۴)، ۱۵۵-۱۸۲.
<https://doi.org/10.48308/pij.2023.231403.1387>
- کدیور، علیرضا (۱۴۰۱). اشتغال ناچیز زنان، مسئله فراموش‌شده ایران. قابل‌دسترس در سایت مجله تحلیلی دقیقه به آدرس:
<https://d-mag.ir/p7475/>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۴۰۰). *از جنبش تا نظریه اجتماعی: تاریخ دو قرن فمینیسم*. تهران: نشر و پژوهش شیرازه.
- جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*. تهران: دانشگاه تهران.

- Koo, G. Y. (2014). Women as subject of defiance and everyday politics of hijab as dress code in modern Iran. *Asian Women*, 30(4), 29-51. <https://doi.org/10.14431/aw.2014.12.30.4.29>
- Nosrat Khwarazmi, Z., Ghasempour, F., & Nosrat Khwarazmi, H. (2019). Women's cultural action after the Islamic revolution: Analysis of the conflicting demands of Islamic feminism in the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 9(4), 931-966. <https://doi.org/10.22059/jisr.2019.290212.947> (In Persian)
- Alipour, P., Zahedi, M. J., Maleki, A., & Javadi Yeganeh, M. R. (2016). Analysis of Gender Justice Discourse in the Sixth Five-Year Plan of Economic, Cultural and Social Development of the Islamic Republic of Iran. *Quarterly Journal of Social Studies and Research in Iran*, 6(2), 203-229. <https://doi.org/10.22059/jisr.2017.233842.527> (In Persian)
- Khorramshad, M. B., & Hossein Ghazal Iyaq, I. (2023). Changes in Citizens' Political Activism in the Islamic Republic of Iran. *Scientific Quarterly of Political and International Approaches*, 14(4), 155-182. <https://doi.org/10.48308/pijaj.2023.231403.1387> (In Persian)
- Hassani, R., & Akhawan Kazemi, M. (2019). Women's Immobility and Change in Social Relations in Iran. *Cultural Sociology*, 11(3), 59-85. <https://doi.org/10.30465/scs.2020.26330.2060> (In Persian)
- Qolipour, M. (2023). Transition from linear movement to fluid movement: A framework for understanding the latent period of social movements. *Strategic Studies Quarterly*, 26(1), 67-97. <https://dori.net/dor/20.1001.1.17350727.1402.26.99.3.5> (In Persian)
- Abdul Wahhabi, O. (2023). Women, political activism and the female side of the social movement, 2022: women, life, freedom. 6th National Conference Social and Cultural Research in Iranian Society. Iranian Sociological Association. (In Persian)
- Rahbari, M. (2023). The autumn protests of 2022 beyond a female and feminist protest. 6th National Conference of Social Research and Culture in Iranian society. Iranian Sociological Association. (In Persian)
- Al-Sayed Ghafoor, S. M. T., & Zahiri, A. R. (2015). Politics, Identity and New Social Movements. *Political Science Quarterly*, 19(74), 119-140. https://psq.bou.ac.ir/article_21865.html (In Persian)
- Tohidloo, S. (2023). Meta synthesis of existing analyzes about Iran's 1401 protests, *Iran Sociological Journal*, 23(4), 145-179. <https://doi.org/10.22034/jsi.2023.1996220.1650> (In Persian)
- Walby, S. (1989). Theorising patriarchy. *Sociology*, 23(2), 213-234.
- Ahmadi Khorasani, Noushin (2023). Mandatory hijab, the Gina movement and the middle class, available on the website of the Iranian Women's Center at: <http://www.ir-women.com>. (In Persian)
- Opinion Polling of gender attitudes and women's rights based on the survey of values and attitudes of Iranians in 2023, available on Fact Press Telegram channel at the address: http://www.t.me/factpress_ir. (In Persian)
- Iran, Algeria and Afghanistan ranked first in the gender gap index table from the end, 2023, available on the news telegram channel at the address: <http://www.t.me/emtedadnet>. (In Persian)
- Iranian society after the Jinnah movement: fundamental and surprising changes, 14 September 2023, available on Zamane Radio website at: <http://www.radiozamaneh.com>. (In Persian)
- Kadivar, Alireza (2022). Low employment of women, the forgotten issue of Iran. Available on the website of the Analytical Minute magazine at the address: <https://d-mag.ir/p7475>. (In Persian)
- Moshirzadeh, Hamira (2021). From movement to social theory; History of two centuries of feminism. Tehran: Shirazeh publishing and research. (In Persian)
- Jalaipour, Hamidreza (2021). Political sociology of Iran. Tehran: University of Tehran. (In Persian)